JAMIA HAMDARD
Acc. No. 28-29
Date 20.7.05
CENTRAL LIBRARY NEW DELHI

رساله البطیخیه

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب ولم یجعل له عوجا حمد پاک
از جان پاک آن پاکی را که خلافت داد مشت خاک را والصلوة والسلام
علی رسوله محمد المصطفی وعلی آله واصحابه الخلفاء والکبراء اما بعد قال
النبی علیه الصلوة والسلام الدنیا مزرعة الآخرة بدان ایها الصادق که حضرت
رسول صلی الله علیه وسلم چنین میفرماید که دنیا کشتگاه آخرت است اگر
بدانکه کشت بدو طریق است کشت ظاهری وکشت باطنی کشت ظاهری
معلوم همه است که از آلات واسباب ومحل ومکان از تخم وزمین وغیره وجمیع
اشیاء بطریق ازدواج آفریده است مناسب هر جنسی تخمی وزمینی والاتی
واسبابی : چون هر جنسی جوز و جفت آفریده : کی تواند جنسی از جنسی برید
سلطان بایزید بسطامی کل جنس یمیل الی جنسه : کند همجنس با همجنس پرواز
کبوتر با کبوتر باز با باز : اما کمال هر جنسی را موقوف آفریده است بتربیت
تا مربی تربیت نکند هر جنسی را مناسب آن تربیت کند تا آن جنسی بکمال خود
تمیز نشود و دیگر بدانکه مربی اکثر اجناس عالم جنس انسان است و بیشتر [illegible]
بمحل خاص نشده پس چاره ندارد هیچ جنسی از تربیت مربی صاحب حال
دانا : هیچکس را از خود آگهی نشد : هیچکس از خویشتن خبری نشد : دانه انگور و

۲۸۲۹

سیاه خاکیست اول شوره مناسب نیست تا بیاره زار را باصلاح آرد و در زمان
خاک بیختن کردن کلوخ مناسب است از جهت کلانی و شیرینی دیگر آنکه در زمان آب
دادن ملاحظه بسیار کند تا آب کوب نشود و از عمل باز نماند بعد از خاک نشین
کردن تیز بگذارد که تا آنکه بنیاد و بیخ اندازد حس کند چرا که هر چند کم آب تر
اولا ریشه بیخ تر و بعد از آن مقدار آب دهد که اندک نمی رشته خربزه رسد
بعد از آن بلندتر تا تمام نم رشته رسد چنانکه بیخ بمقدار با غنج شود
بعد از آن بند بار آخر نیست کند همان مقدار که نم رشته خربزه برسد حتی الامکان
می باید که آب از خربزه نرسد دیگر آنکه نماز دیگر شود آب را بگذارد همان مقدار که
کفایت کند تا وقت نماز اشراق بعد از آن آب را بگیرد تا از زمان که خربزه بکلی
تکان بخشی کرده و دیگر آب ندهد تا بی مزه نشود و علی هذا القیاس چونکه خربزه نفیس
نعمتهای خیلی بود ازین جهت تخصیص باو کرده شد چرا که فایده از همه نعمتها قوت
استعداد ظاهر آدمی است از جهت عبادت خداوند سبحانه و تعالی اما خربزه
مقوی و محرک استعداد ظاهری و باطنی آدمی است چنانکه بعض در خواص خربزه گفته اند
یشبع المعده و یجلی الفواد مراد از همه طاعات و عبادات جلاء فواد
از جهت ظهور جمال و جلال الهی به نقد در آئینه جمال نماید زوین در یغ که آئینه ما
منقش در زنگ است و دیگر توانی که از خربزه حاصل می شود از هیچ زراعت دیگر حاصل
نمی شود و دیگر آنکه خربزه خوردن طاعت است که گفته اند اگر کسی بمیرد از جهت
خوردن خربزه کرده شهید می میرد چنانکه در طاعت مرده است یعنی که
خوردنش عبادت است کشتنش نیز عبادت است تمام جامعه است هر عملی که درو مشغول

تخم هر مزرعه ٭ تا بر دهقان زده شب خیری نشد ٭ تا نزدند بارها آهنی را
زسنگ ٭ هیچ آهن خنجری تیغی نشد ٭ هیچ حلوائی نشد استاد
کار ٭ تا که شاگرد شکر ریزی نشد ٭ نام مولانا نشد سلطان عشق ٭ تا غلام
شمس تبریزی نشد ٭ مثلا تحصیل خربزه را خواهد کرد از عالم [illegible]
چاره ندارد اولا آنکه زمینی و آبی پیدا سازد و آب دهد و چند روز
بگذارد تا زمین مناسب شود بعد از آن در راندن [illegible] قلبه بسیار کند
هر چند خاک نرم تر خربزه شیرین و بریان و لذیذ تر بعد از آن [illegible] را
و نیک کشد تا آب در روی بستر قرار گیرد چرا که کلانی و شیرینی خربزه هم از
بسیاری صحبت آبست زمین ٭ از اثر صحبت است هر چه در این عالم است ٭
ور نه کی یافتی نبیدها نبات ٭ دیگر در تخم و زمین احتیاط بسیار کند که
از شبه و حرام نباشد که اگر از آنها باشد ترک کنید که بار [illegible] آورد ٭
تخم را کنده که در گل بود ٭ تخم را کنید که در دل بود ٭ و دیگر در زمان کشتن هر تخم
و دانه و نهال می باید که حاضر و آگاه باشد و با طهارت با حضور و آگاهی بار آرد
اگر حاضری مؤمنی و اگر غافلی کافری و این آیت را بخواند کاصلها ثابت
و فرعها فی السماء و اسم الحلیم را نیز بخواند بعد از افکندن تخم بر زمین [illegible]
کند تا تخم بروید بعد از آن آب دهد و اگر زمین کم قوت است کود [illegible]
بیندازد فی شور و کلوخ اگر زمین سفید گل است اولا [illegible] مناسب است
آبیاره را از [illegible] عمل آرد بعد از آن در زمان خاک [illegible] کلوخ و شوره [illegible]
از جهت کلانی شیرین شدن خربزه چونکه کلوخ و شوره منزله نمک است همراه او را [illegible]
بار

الا لیعبدون و مراد از عبادت اینجا عبادت ظاهر و باطن است و عبادت
ظاهری که مثل نماز و روزه و حج و زکوة و غیرها و دانستن آداب و غیر انها [illegible] هر
آدمی مامور است بکردن آن از مشروعات و ناکردن آن و از نامشروعات
دانستن اینها نیز حکمی است [illegible] علم متعلق و لابد است ملازمت علمای ظاهری می باید کرد
تا علم آداب و فرائض و سنن و واجبات و مستحبات و غیرها حاصل شود در عمل
درآید تا نتیجه دهد چرا که میان علم و عمل ازدواج است : علم باید تا عمل کنی بود
ورنه بی او عمل بی ثمر بود : و نتیجه اش حالات و مقامات و درد و سوز و معارف
و حقایق الهی است و عبادت باطنی دوام توجه و مراقبه است مع الحق سبحانه
و تعالی و دانستن شرائط و طریق آن نیز موقوف است بخدمت و ملازمت
کامل مکملی که او از طبیبان حاذق الهی است مدت مدید برکرت ملازمت و خدمت
و لکن طالب او از مرتبه وجود و هستی ظاهر که وجود موهوم است خلاص
یافته لقای تمکم خاصه محمد رسول الله است صلی الله علیه و سلم و وجود
موهوب حقانی مشرف گردد لقای مطلق و [illegible] قوی کی جرم و ضار را
مجزوم شوی بدان [illegible] صادق که چنانکه در [illegible] ظاهری چاره است
از دهقان حاذق دانا در تربیت استعداد باطنی انسان نیز چاره نیست
اما چون دهقان حقیقی راه دین راه روان همچنین او نیز اولا تا زمین دل سالکان را
نجس و خاشاک و تعلقات بشریت سنگ و محکم شده است باتش قهر و غضب
نرم و تاب نکند و ریاضت آب ندهد و تا [illegible] قهر آشنا [illegible]
[illegible] نکند و [illegible] لطف آب [illegible] ظاهر محل آن [illegible] نشود [illegible]

تربیت

در محل کشتن خربزه مکتب همه عنا و رنج هر نخورد و می برد و نوبی ادم تم
هر که مزید غنا دنیت به ثواب هر کارنده خربزه را بست ؛ کو حرص
اب حیاتست خربزه ؛ بسیار زی تق و نبات خربزه ؛ زنهار در توانی
بحقارت نظر مکن ؛ چون رشک گوزهای نبات خربزه ؛ این نکته ادراک
عمل کن بدان یقین ؛ در خور جهاد و زر گوهر است خربزه ؛ بدان که خربزه کشتن
و خوردن و دادن از روی ثواب در خورد ذکوة دادن و جهاد کردن است
باکاوان دهقان حاذق می باید که در هر جنس که میکارد دلدا جنس حد اوقت را
از دست ندهد و تربیت تنگ بجای آرد تا حفظ و افساد نرسد احتیاط
مجد کنند در زمین و اب و تخم و کاو و کار از وجه حرام و شبهه نباشد چونکه لقمه
در وجود آدمی بمنزله تخم است و در زمین هر چه کارند همان بر دارند اگر طیبست طیب
و اگر خبیث خبیث ؛ لقمه تخم است و برش اندیشهها ؛ لقمه نطفه و گوهرش آمد اندیشهها
هر جنس که کاری هم از آن جنس بدروی ؛ گر تنگ مرد راهی تخم بد مکار ؛
بدان ای طالب الصادق که مقصود از این همه که گفته شد حصول قوت بر عبادت
و بنده کی غذا اند چونکه قوت ظاهری آدمی الا بها حاصل نمی شود و سنت الله
همین جاری شده است پس چاره نباشد از میان از کشت و کار که بظاهر
سبب رزق و نهاده توکل آن کرد ؛ و دیگر بدانکه مقصود از آفرینش آدم
محبت الله است چنانکه گفته اند غرض از خلقت بشر محبت رب العالمین است
و منبع از همه طاعات و عبادات از علم و عمل و از ذکر و فکر محبت الله است و حصول
این عبادت ممکن نه و این خصوص همه از آن کسب کوثر کواه و ما خلقت الجن و الانس
الا لیعبدون